

## حقوق بشردوستانه و مشروعیت بکارگیری هواپیماهای تهاجمی بدون سرنشین توسط سازمان اطلاعات مرکزی امریکا (سیا) : ماهیت محرمانه عملیات و تعهد به ارائه اطلاعات

هیوا حاجی‌ملا، ناصر سرگران

حقوق بین‌الملل بشردوستانه با ایجاد محدودیت در انتخاب و بکارگیری شیوه‌های جنگی در مخاصمات مسلحانه، قواعدی را بدون ساخته است. اما حوادث یازده سپتامبر فصل جدیدی از مخاصمات را گشود، که نتیجه آن ایجاد ابهام و چالش در اجرای قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه بوده است. یکی از آن موارد، بکارگیری هواپیماهای بدون سرنشین توسط سازمانهای مخفی علیه گروههای تروریستی است، به گونه‌ای که ویژگی هواپیماهای بدون سرنشین و به ویژه قابلیت مخفی ماندن عملیات آنها، امروزه به عنصری مهم از هدایت عملیات محرمانه توسط سازمانهای اطلاعاتی علیه گروههای تروریستی تبدیل شده است. سازمان اطلاعات مرکزی امریکا (سیا) نیز از جمله چنین سازمانهایی است که در به کارگیری هواپیماهای بدون سرنشین، به مباحث بسیاری از منظر حقوق بشردوستانه دامن زده است. هرچند رسیدن خشونت نیروهای ایالات متحده علیه گروه‌های تروریستی به آستانه مخاصمه محل بحث است، اما پژوهش حاضر با مفروض قلمداد کردن این درگیری‌ها تحت عنوان مخاصمه مسلحانه، به شیوه‌ای توصیفی-تحلیلی ضمن بررسی مشروعیت بکارگیری هواپیماهای بدون سرنشین توسط سازمان اطلاعاتی امریکا، ماهیت محرمانه چنین عملیاتی را در تقابل با حق دسترسی به اطلاعات در حوزه مخاصمات مسلحانه ارزیابی خواهد کرد.

کلید واژگان: هواپیماهای بدون سرنشین، تعهد به ارائه اطلاعات، سازمان اطلاعات

مرکزی امریکا (سیا)، حقوق بشردوستانه، عملیات جنگی محرمانه.

---

## حقوق بشر دوستانه و مشروعیت بکارگیری هواپیماهای تهاجمی بدون سرنشین توسط سازمان اطلاعات مرکزی امریکا (سیا): ماهیت محرمانه عملیات و تعهد به ارائه اطلاعات

---

هیوا حاجی ملا\*

ناصر سرگران\*\*

### مقدمه

استفاده از ابزارآلات جنگی بدون سرنشین پدیده نوینی نیست. اما اشکال استفاده از چنین سلاح‌ها و نیز شیوع استفاده از آنها در چند سال گذشته به نحو چشم‌گیری گسترش داشته است.<sup>۱</sup> هواپیماهای بدون سرنشین که در ایران به «پهپاد»<sup>۲</sup> شهرت یافته‌اند، توسط افرادی هدایت می‌شود که هزاران کیلومتر دورتر از محل عملیات قرار دارند.<sup>۳</sup> این نوع هواپیماها، در

---

\* هیوا حاجی ملا کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران است  
(hajimolla\_hiwa@yahoo.com).

\*\* ناصر سرگران کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل از دانشگاه تهران است  
(n99sargeran@gmail.com).

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۶/۲  
فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ)، سال دهم، شماره ۴، بهار ۱۳۹۳، صص ۲۲۱-۲۰۳.  
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۰/۲۰

اوایل به منظور تجسس مورد استفاده قرار می‌گرفتند. اما قابلیت‌های نظامی آنها به تدریج توجه سیاست‌مداران و نظامیان را به خود جلب کرد. به طوری که امروزه دو گونه هواپیمای بدون سرنشین وجود دارد: اولین نسل آن تنها به منظور نظارت و پایش بکار می‌روند. این نسل تحت عنوان «وسایل نقلیه هوایی بدون سرنشین»<sup>۴</sup> یا «یک هواپیمای بدون سرنشین در هر اندازه‌ای که سلاح حمل نمی‌کند و قادر به کنترل سلاح نیست»، شناخته شده‌اند. بسته به نوع مدل، این نسل را می‌توان از مسافتی دور و به صورت خودکار، برای روزها و یا دوره‌های زمانی کوتاه‌تر به پرواز درآورد. همچنین، می‌توان آن را برای کاربردهای چندگانه یا برای یک مأموریت خاص ساخت. اندازه‌های آن نیز از یک هواپیمای ماکتی کوچک تا یک هواپیمای بزرگ متغیر است. دومین نسل آنها قابلیت حمله دارند، که تحت عنوان «وسایل نقلیه هوایی نبرد بدون سرنشین»<sup>۵</sup> یا «یک هواپیمای نظامی بدون سرنشین در هر اندازه‌ای که قادر به حمل و شلیک سلاح می‌باشد»، شناخته شده است. بسته به نوع مدل، هواپیمای نسل دوم بسیاری از ویژگی‌های نسل اول را داراست، اما به نسبت نسل اول دولت‌های کمتری، دارای این نوع هواپیما هستند.<sup>۶</sup>

هواپیماهای بدون سرنشین مزایای بسیاری نسبت به هواپیماهای عملیاتی با سرنشین دارند؛ به دلیل ابعاد کوچک‌تر نسبت به هواپیماهای معمولی به طور طبیعی هزینه ساخت آنها بسیار پایین است، قابلیت پروازهای طولانی‌تری دارند، رادارهای دشمن نمی‌توانند آنها را ردیابی کنند و حتی در صورت ردیابی، انهدام آنها کار بسیار مشکلی است. چنین مزیت‌هایی، آنها را به یکی از اولویت‌های نظامی دولت‌ها تبدیل کرده است. به طوری که هر ساله بخش بزرگی از بودجه نظامی دولت‌ها به ساخت و تولید آنها اختصاص پیدا می‌کند. امریکا یکی از دولت‌های پیشگام تکنولوژی هواپیماهای بدون سرنشین است. بکارگیری آنها توسط این دولت در طی سال‌های گذشته به گونه‌ای تصاعدی رشد پیدا کرده است. به عنوان مثال از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶، میزان بکارگیری آنها توسط وزارت دفاع از ۵۰ عدد به بیش از ۳۰۰۰ عدد افزایش پیدا کرد.<sup>۷</sup> به طوری که امروزه هواپیماهای بدون سرنشین به عنصر لازم استراتژی امریکا در مقابله با تروریسم تبدیل شده است.<sup>۸</sup>

همزمان با رشد فزاینده بکارگیری آنها، سؤالات حقوقی پیرامون مشروعیت استفاده از آنها نیز فزونی گرفته است. به منظور مشروعیت بخشیدن به عملیات هواپیماهای بدون سرنشین، دو قالب حقوقی عمده از طرف حقوق‌دانان پیشنهاد شده است: یکی حاکم بودن مقررات زمان

صلح یعنی قواعد بین‌المللی حقوق بشر<sup>۹</sup> و دیگری حاکمیت مقررات زمان جنگ یعنی قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه.<sup>۱۰</sup>

قواعد حقوق بشر به دنبال راه‌هایی برای حمایت از حقوق جهانی و ذاتی همه افراد بشر تنها به دلیل انسان بودنشان است. قواعد حقوق بشر محرومیت سلب خودسرانه حیات، توسط یک دولت را ممنوع می‌کند. بنابراین، استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین به منظور هدف قرار دادن گروه‌های تروریستی در این قالب، به عنوان آخرین راه حل، تنها زمانی قابل توجیه است که برای حمایت از تهدیدات قریب‌الوقوع و مشخص مرگ یا صدمات جدی جسمی لازم باشد. بنابراین، معیار حقوقی تناسب، ضرورت، قریب‌الوقوع بودن و مشروعیت باید مطابق با شرایط و حقایق هر یک از حملات، به صورت جداگانه بررسی شود.<sup>۱۱</sup> اما قبل از آن باید برای دستگیری تلاش شود و چون هواپیماهای بدون سرنشین از قابلیت دستگیری افراد برخوردار نیستند، آنها را نمی‌توان در وضعیت صلح بکار بست.<sup>۱۲</sup>

در مقابل، قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه اختیار وسیعی برای کشتن رزمندگان طرف مقابل و همچنین افراد غیرنظامی که به صورت مستقیم در مخاصمات مشارکت دارند، می‌دهد.<sup>۱۳</sup> هرچند این دو رژیم حقوقی در مواردی ممکن است هم‌پوشانی‌هایی داشته باشند،<sup>۱۴</sup> (به عنوان مثال هر دو رژیم حقوقی اجازه کشتن یک رهبر القاعده را که در حال تیراندازی به سمت جمعیت غیرنظامی در یک بازی فوتبالی است، می‌دهند) اما برای اینکه حقوق بشردوستانه به طور خاص قابلیت اعمال داشته باشد، درگیری‌ها باید به آستانه مخاصمه مسلحانه رسیده باشند.

اعمال تروریستی اغلب پراکنده هستند و به دشواری می‌توان در مورد رسیدن آنها به آستانه مخاصمه مسلحانه قضاوت کرد.<sup>۱۵</sup> از سوی دیگر، حقوق بشردوستانه به طور سنتی به عنوان یک رژیم حاکم بر مخاصمات غیربین‌المللی و مخاصمات بین‌المللی قابلیت اعمال داشته است اما القاعده یک شبکه فرامرزی است و قرار دادن آن در یکی از این دو چهارچوب بسیار دشوار می‌باشد.<sup>۱۶</sup>

هرچند رسیدن این خشونت‌ها به آستانه مخاصمه محل بحث است. اما دیدگاه نهایی دولت آمریکا مخاصمه قلمداد کردن این درگیری‌ها می‌باشد. همچنان که هارولد کوه مشاور حقوقی وزارت خارجه ایالات متحده آمریکا در یکی از سخنرانی‌های خود اعلام کرد که ایالات متحده آمریکا در پاسخ به حملات یازده سپتامبر، درگیر مخاصمه مسلحانه با القاعده، و

نیز طالبان و گروه‌های وابسته است.<sup>۱۷</sup> بنابراین، از دیدگاه این دولت، گروه‌های القاعده -یا به دلیل رزمنده بودنشان و یا به دلیل مشارکت مستقیم‌شان در مخاصمه- اهداف نظامی مشروع هواپیماهای بدون سرنشین هستند.

کنترل این عملیات در عراق و افغانستان بر عهده نیروهای نظامی قرار دارد، اما قابلیت مخفی ماندن عملیات هواپیماهای بدون سرنشین، این امکان را برای دولت امریکا بوجود آورده است تا کنترل بخش عمده‌ای از عملیات هواپیماها را در شمال غربی پاکستان، یمن و سومالی، به سازمان اطلاعات مرکزی امریکا واگذار کند.<sup>۱۸</sup> میزان و شمار این واگذاری در طی سال‌های گذشته و به ویژه در طول زمامداری باراک اوباما افزایش پیدا کرده است.<sup>۱۹</sup>

فعالیت سازمان‌های اطلاعاتی در حقوق بین‌الملل به طور ضمنی به رسمیت شناخته شده است. اما مشارکت در مخاصمات مسلحانه با توجه به ماهیت محرمانه آنها، تردید در اجرای قواعد حقوق بشردوستانه را به دور از نظارت جامعه بین‌المللی در پی دارد. بنابراین، سؤال این است که آیا در حقوق بین‌الملل بشردوستانه می‌توان تعهدی را سراغ گرفت که ماهیت محرمانه فعالیت سیا در تقابل با آن قرار داشته باشد؟ از این رو، این پژوهش، با فرض مخاصمه قلمداد کردن درگیری امریکا با القاعده و گروه‌های وابسته به آن، بر آن است تا ضمن ارزیابی مشروعیت بکارگیری هواپیماهای بدون سرنشین در گفتار اول، مشارکت سیا در هدایت این هواپیماها را با توجه به ماهیت محرمانه فعالیت‌های آن سازمان در گفتار دوم مورد مطالعه قرار دهد.

## ۱. استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین به عنوان یک ابزار جنگی؛ مشروعیت یا ممنوعیت

### ۱-۱. مشروعیت بکارگیری بهپادها در پرتو نظریه مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در

#### قضیه سلاح‌های هسته‌ای

ساخت و تولید سلاح‌های نوین همواره ارزیابی مشروعیت آنها را به عنوان یک ابزار جنگی در عرصه مخاصمات مسلحانه به همراه داشته است. دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی خود راجع به سلاح‌های هسته‌ای، مشروعیت بکارگیری آنها را مورد بررسی قرار داد، اگرچه رأی با انتقادات زیادی مواجه شد، اما نتیجه رأی دیوان شناسایی ضمنی دو دسته سلاح بود؛ نخستین دسته، سلاح‌هایی هستند که فی‌نفسه در حقوق بین‌الملل غیرقانونی هستند. استفاده از چنین سلاح‌هایی صرف‌نظر از شرایطی که در آن به کار گرفته می‌شود، هرگز

مشروعیت ندارد. دومین دسته، سلاح‌هایی هستند که فی‌نفسه غیرقانونی نیستند. در نتیجه، می‌توان آنها را تحت مقررات قانونی در مخاصمات به کار گرفت. در واقع، استدلال دیوان بر این اساس بود که «عدم مشروعیت استفاده از چنین سلاح‌هایی ناشی از نبود مجوز استفاده از آنها نیست، بلکه برعکس در شرایط ممنوعیت شکل گرفته است».<sup>۲۰</sup> بنابراین، دیوان بررسی خود را بدین‌گونه شروع کرد که آیا ممنوعیت صریحی در حقوق بین‌الملل در استفاده از سلاح‌های هسته‌ای وجود دارد یا خیر؟

در ارتباط با استفاده از ابزارالات جنگی بدون سرنشین، هیچ‌گونه قاعده صریحی در حقوق بین‌الملل (عرفی یا معاهده‌ای) دال بر ممنوعیت آنها وجود ندارد. اما یک سلاح قانونی نیز ممکن است در بعضی شرایط به گونه‌ای غیرقانونی مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین، مرحله بعدی بررسی چگونگی استفاده از آنها و تطابق آن با مقررات حقوق بشردوستانه است.

### ۲-۱. اصول کلی حقوق بشردوستانه در استفاده از پهپادها

حقوق بین‌الملل بشردوستانه، به دنبال راه‌هایی برای کاهش اثرات مخاصمه مسلحانه، با استفاده از محدود کردن روش‌ها و ابزارالات جنگی و همچنین حمایت از کسانی است که دیگر در مخاصمه مشارکت ندارند. یکی از اصول اساسی و اولیه حقوق بشردوستانه، که دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی مشورتی خود، در قضیه سلاح‌های هسته‌ای از آن به عنوان یکی از «اصول غیر قابل تخطی در حقوق بین‌الملل عرفی» یاد می‌کند، اصل تفکیک است.<sup>۲۱</sup> بر اساس این اصل، «به منظور تضمین رعایت و حمایت از جمعیت و اهداف غیر نظامی، طرفین درگیر باید همواره بین جمعیت غیرنظامی و رزمندگان و بین اموال غیرنظامی و اهداف نظامی تفکیک قایل شوند. بنابراین، عملیات آنها باید تنها علیه اهداف نظامی صورت گیرد».<sup>۲۲</sup> رویه دولت‌ها این قاعده را به منزله یک قاعده عرفی حقوق بین‌الملل در هر دو زمینه درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی قابل اعمال می‌داند.<sup>۲۳</sup> اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز با هدف تضمین و رعایت این قاعده، تخلف از آن را جرم‌انگاری کرده و در ماده ۸ مقرر می‌دارد: «حمله عمدی به جمعیت غیرنظامی یا علیه افراد غیر نظامی که نقش مستقیمی در درگیری‌ها ندارند... جزء جنایات جنگی به شمار می‌روند».<sup>۲۴</sup> نتیجه مستقیم و مکمل قاعده تفکیک، اصل احتیاط است که در ماده ۵۷ (۱) پروتکل الحاقی اول اظهار می‌دارد: «در هدایت عملیات نظامی دقت ویژه‌ای برای جدا کردن جمعیت غیر نظامی، افراد و اموال غیر نظامی باید اتخاذ شود».

بنابراین، افراد عضو گروه‌های مسلح و غیرنظامیانی که به صورت مستقیم در درگیری‌ها مشارکت دارند، اهداف مشروع حمله هستند. اما نداشتن یونیفرم نظامی و یا داشتن پوشش همانند غیرنظامیان در مورد القاعده و گروه‌های وابسته به آن، دشواری تفکیک را در پی دارد. در چنین مواردی، توانایی شناسایی هواپیماهای بدون سرنشین نقشی کلیدی در تفکیک این افراد از غیرنظامیان بی‌گناه دارد. بنابراین، بسیاری بر این اعتقادند که این هواپیماها با داشتن قدرت پایش ۲۴ ساعته و شناسایی هدف، سلاح‌های دقیقی در شناسایی اهداف نظامی به شمار می‌روند و به بهترین شکل، قادر هستند اصول تفکیک را اجرا کنند.<sup>۲۵</sup>

هنگامی که هدف مشروع شناسایی شد، تحلیل‌های حقوقی پایان نمی‌یابد. در این مرحله، طرفین درگیر باید حمله را ارزیابی کنند که آیا در تطابق با اصل تناسب هست یا خیر. حقوق بشردوستانه آشکارا هدف‌گیری عمدی غیرنظامیان را ممنوع می‌کند، اما در درگیری‌های مسلحانه شرایط زیادی ممکن است به وجود بیاید که در آن غیرنظامیان ممکن است در اثر حمله‌ای که به طور مستقیم علیه اهداف نظامی و رزمندگان تدارک دیده شده است، بمیرند و یا دچار صدمات شدید شوند؛ شرایطی مثل بدی هوا یا اشتباهات تاکتیکی. فراتر از این شرایط و اشتباهات، فرمانده‌ای که در حال برنامه‌ریزی حمله است، ممکن است انتخاب‌های متعددی در شرایط و تاکتیک‌های حمله داشته باشد که منجر به آثار متفاوتی برای غیرنظامیان در بعضی مناطق شود. گاهی نیز ممکن است تنها یک انتخاب داشته باشد. به منظور حمایت از غیرنظامیان بی‌گناه از اثرات جنگ و به حداقل رساندن رنج غیرضروری، حقوق بشردوستانه حملات بدون تناسب را ممنوع می‌کند. بنابراین، شروع به حمله‌ای که انتظار می‌رود باعث تلفات غیرنظامیان، آسیب به غیرنظامیان، صدمه به اموال غیرنظامی یا ترکیبی از این موارد گردد و این خسارت زیاده بر مزیت عینی و مستقیم نظامی مورد انتظار باشد، ممنوع است.<sup>۲۶</sup> اصل تناسب باید مورد به مورد ارزیابی شود. بدین معنی که دولت در هر حمله باید ارزش هدف، مکان حمله، زمان حمله، شمار تلفات افراد غیرنظامی و میزان صدمات مورد انتظار اموال غیرنظامی همچون ساختمان‌ها، پل‌ها، بیمارستان‌ها را ارزیابی کند.

برخلاف هواپیماهای معمولی، که هم شناسایی هدف و هم تصمیم‌نهایی مناسب بودن حمله در دست یک یا دو خدمه هواپیماست که توجه‌اش بین پرواز هواپیما و شناسایی هدف، ارزیابی تناسب حمله و هدف‌گیری تقسیم شده است، متصدی هواپیماهای بدون سرنشین که خارج از منطقه نبرد قرار دارد بهتر می‌تواند ماهیت هدف پیشنهادی و زمان حمله با حداقل

تلفات جانبی را تأیید کند، چرا که قبل از حمله می‌تواند از نظر کارشناسان به منظور برآورد آثار احتمالی حمله استفاده کند.<sup>۲۷</sup>

همانطور که ملاحظه شد، بهیچ‌وجه تفاوت محسوسی با سایر سلاح‌ها ندارند و همان اصول سنتی حقوق بشردوستانه قادر به پاسخ‌گویی آنها می‌باشد. اما قابلیت آنها، این امکان را برای کشورها فراهم کرده است که از ماهیت محرمانه فعالیت سازمان‌های مخفی بهره‌برده و هدایت عملیات هواپیماها را بر عهده آنها گذارند.

## ۲. سیاه و هدایت عملیات جنگی هواپیماهای بدون سرنشین

### ۲-۱. معرفی سیاه

آینده هر ملتی وابسته به اتخاذ راهبردهای دقیق و صحیح اقتصادی، سیاسی، امنیتی و دفاعی است. این در حالی است که هیچ‌کدام از این راهبردها، بدون بهره‌برداری از اطلاعات دقیق و جامع در مورد نظام بین‌الملل و بازیگران آن، ممکن نیست.<sup>۲۸</sup> بنابراین، لزوم کسب اطلاعات و اخبار جامع و دقیق از دولت‌ها و ملل دیگر جهان، اصل پذیرفته شده‌ای برای سیاست‌مداران و نظامیان کشورهاست.<sup>۲۹</sup> بدین منظور، همه کشورها یک شاخه یا واحد اطلاعاتی دارند، که به جمع‌آوری اطلاعات در مورد متحدان خارجی و دشمنان، از جمله دولت‌های خارجی، سازمان‌های تروریستی و دیگر تهدیدات مربوط به امنیت ملی می‌پردازد. سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) نیز یکی از چنین سازمان‌هایی است که در عرصه داخلی و بین‌المللی، در راستای شناسایی تهدیدات مرتبط با منافع ملی ایالات متحده فعالیت می‌کند.

### ۲-۲. مشارکت سیاه در مخاصمه

در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، حقوق بشردوستانه با تفکیک رزمندگان و غیرنظامیان، وضعیت اولیه و حقوقی فرد را در این دو دسته مشخص می‌کند. مهمترین تفاوت بین رزمندگان و دیگر اشخاص درگیر مخاصمه مسلحانه این است که رزمندگان از حق مشارکت در جنگ برخوردارند.

هواپیماها توسط آمریکا به دو شیوه مورد استفاده واقع می‌شود: یکی بکارگیری آنها توسط نیروی نظامی و دیگری توسط سیا. افراد نظامی به عنوان اعضای نیروهای مسلح منظم یک دولت که عملیات هواپیماها را در افغانستان بر عهده دارند، به موجب ماده ۴۳ پروتکل الحاقی اول که نیروهای مسلح طرف مخاصمه را شامل همه نیروهای مسلح سازمان یافته، دسته‌ها و

واحدهای آن می‌داند، رزمنده محسوب می‌شوند. بنابراین، هیچ تردیدی در مجوز استفاده از نیروهای تهاجمی در طول مخاصمه توسط آنها وجود ندارد. بر خلاف نیروهای نظامی امریکا، سیا به عنوان یک سازمان اطلاعاتی غیر نظامی در پاکستان، بخشی از نیروهای مسلح امریکا به شمار نمی‌رود. با این حال، افرادی که به نیروهای مسلح تعلق ندارند، می‌توانند تحت شرایط استثنایی به دلیل اقدامات دولتشان یا بنا به تصمیم خودشان جایگاه رزمنده را به دست آورند. برای نمونه، با تلفیق نیروهای پلیس در نیروهای مسلح یا مقاومت مسلحانه خودجوش جمعیت غیرنظامی در مقابل تهاجم ناگهانی.<sup>۳۰</sup> بدیهی است که مشارکت کارکنان سیا در مخاصمه در هیچ کدام از این دو دسته قرار نمی‌گیرد. بنابراین، این افراد را نمی‌توان دارای وضعیت رزمنده به موجب حقوق بشردوستانه قلمداد کرد. حال پرسش این است که آیا صرف مشارکت آنها در مخاصمه می‌توان نقض قواعد حقوق بشردوستانه قلمداد کرد یا خیر؟ در پاسخ باید گفت حق مشارکت رزمندگان آثاری به دنبال دارد؛ به عنوان مثال، یکی از آثار عملی این حق، «مصونیت» آنها برای اعمال ارتكابی قانونی در طول یک مخاصمه مسلحانه بین‌المللی است. بنابراین، وقتی که یک سرباز، دشمن را مطابق با قواعد جنگ می‌کشد، فرد کشته شده یک هدف قانونی بوده است. این فرد نظامی را نمی‌توان به دلیل قتل یک فرد در نقض قوانین داخلی مورد تعقیب قرار داد. در عوض، یک فرد غیرنظامی را به دلیل ارتكاب همان عمل می‌توان تحت تعقیب قرار داد، چرا که او از مصونیت رزمنده برخوردار نیست. بنابراین، کارکنان سیا از حق مشارکت در مخاصمات و مصونیت‌های ملازم با آن در چهارچوب قواعد جنگ برخوردار نیستند و می‌توان آنها را به موجب قوانین داخلی کشورهایی که در آنها عملیات وجود دارد تحت پیگرد قرار داد.<sup>۳۱</sup>

اما صرف مشارکت کارکنان سیا را در مخاصمات نمی‌توان به عنوان نقض قواعد حقوق بشردوستانه قلمداد کرد. همچنانکه راهنمای تفسیری ۲۰۰۹ صلیب سرخ در مورد مفهوم مشارکت مستقیم غیرنظامیان در مخاصمات بر طبق حقوق بین‌الملل بشردوستانه، بر این نظر است که: «در تحلیل نهایی، حقوق بشردوستانه نه منع می‌کند و نه مزایای ویژه رزمندگان را به افرادی که به صورت مستقیم در مخاصمه مشارکت دارند، اعطا می‌نماید».<sup>۳۲</sup> گزارش سال ۲۰۰۹ کمیسیون حقیقت‌یاب غزه نیز تصور نظامیان در تفکیک خود از جمعیت غیرنظامی را با استفاده از علایم مشخص، فی‌نفسه نقض حقوق بشردوستانه قلمداد نمی‌کند، اما آنها را محروم از برخی مزایا و مصونیت‌های رزمندگان می‌داند.<sup>۳۳</sup>

### ۳-۲. ماهیت محرمانه عملیات سیا و تعهد به ارائه اطلاعات در مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه

از آنجا که فعالیت سازمان‌های اطلاعاتی با حساس‌ترین مسایل امنیتی کشور در ارتباط است، همه دولت‌ها در این حوزه برای خود حق بر محرمانگی و مخفی ماندن عملیات چنین مؤسساتی را قایل هستند و هرگونه دسترسی به اطلاعات مرتبط با این مؤسسات را جرم‌نگاری کرده‌اند. بنابراین، عملیات هواپیما و بکارگیری آنها توسط سیا به صورت کاملاً سری انجام می‌شود<sup>۳۴</sup> و دسترسی به اطلاعات واقعی و قابل اعتماد را در مورد حملات آنها در مناطقی که سیا چنین عملیاتی را بر عهده دارد، سخت و حتی غیرممکن کرده است.<sup>۳۵</sup>

اتحادیه آزادی‌های مدنی امریکا و گزارشگر ویژه سازمان ملل از سیا خواسته‌اند تا روش‌ها و استانداردهایی را که برای هدف‌گیری افراد به کار می‌رود و همچنین توجیهات حقوقی آن را ارائه دهد.<sup>۳۶</sup> فیلیپ آلستون گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد کشتارهای فراقضایی، اختصاری یا اعدام خودسرانه در بخشی از گزارش خود تأکید می‌کند که دولت‌ها باید قواعد حقوقی توجیه‌کننده هر کشتار و اساس قانونی استفاده از نیروهای کشنده و همچنین ماهیت روش‌های حمایتی که مطابقت با حقوق بین‌الملل را تأیید می‌کند، آشکارا افشا کنند.<sup>۳۷</sup> اما طبیعی است که اجابت چنین درخواستی از سوی سیا به عنوان یک سازمان مخفی، غیرممکن است.

آلستون به عنوان مبنای استدلال حقوقی خود از آرای مختلف مراجع بین‌المللی بهره می‌گیرد. اما نقطه مشترک تمامی این پرونده‌ها این است که آنها مقررات حقوق بشر و قابلیت اعمال آن را در تقابل دولت‌ها و شهروندانش مورد خطاب قرار می‌دهد.<sup>۳۸</sup> بنابراین، از دیدگاه بعضی نویسندگان به این خاطر که «درگیری بین امریکا و گروه‌های القاعده و طالبان تحت عنوان مخاصمه مسلحانه شناسایی شده است، نیازی به افشای معیارها و روش‌های کشتار توسط امریکا نیست».<sup>۳۹</sup> به طور قطع، حملات هواپیماهای بدون سرنشین باید مطابق با اصول اساسی حقوق بین‌الملل بشردوستانه باشد و ایالات متحده باید تعهدات معاهده‌ای خود را با حسن نیت انجام دهد. جدا از این تعهد حقوقی، به موجب حقوق بشردوستانه، ایالات متحده و همه کشورهای درگیر در جنگ، تعهد به افشای روش‌ها و ابزارالات جنگ خود به عنوان تاکتیک جنگی ندارند.<sup>۴۰</sup> بنابراین، نگرانی‌های مرتبط با شفافیت ممکن است به عنوان یک موضوع اخلاقی یا اولویت سیاسی در نظر گرفته شوند. اما آنها را نمی‌توان از دیدگاه حقوق بین‌الملل بشردوستانه ضروری دانست.<sup>۴۱</sup> از این رو، پرسش این است که آیا می‌توان در

مقررات خاص حقوق بشردوستانه چنین تعهدی را در برابر جامعه بین‌المللی سراغ گرفت که ماهیت محرمانه عملیات سیا، در تقابل با آن قرار داشته باشد؟

### ۱-۳-۲. خانواده قربانیان و حق بر آگاهی

به موجب ماده ۳۲ و ۳۳ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹، خانواده قربانیان حق دارند از سرنوشت بستگان خود مطلع شوند. رویه دولت‌ها این قاعده را به منزله یک قاعده عرفی حقوق بین‌الملل در هر دو زمینه درگیری‌های بین‌المللی و غیر بین‌المللی قابل اعمال می‌داند. به موجب این قاعده، «هر یک از طرف‌های درگیری می‌بایست کلیه تدابیر ممکن را جهت تعیین وضعیت افرادی که در نتیجه درگیری‌های مسلحانه مفقود شده‌اند به عمل آورده و بستگان را از سرنوشت ایشان آگاه نماید».<sup>۴۲</sup>

«وضعیت مفقودی» مفهومی است که نه تنها «شخص ناپدیدشده» به مفهوم مضیق کلمه را در برمی‌گیرد، بلکه هر فردی را که اطلاعاتی از سرنوشت آنها در دست نیست، شامل می‌شود. برای مثال، افرادی که در درگیری‌ها مرده‌اند و مشخصات و هویت آنها ثبت نشده است، در این مفهوم قرار می‌گیرد. همچنانکه، قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد مصوب سال ۱۹۷۴، خواست خانواده‌ها به آگاهی از سرنوشت عزیزانشان را که در درگیری‌های مسلحانه از دست داده‌اند یک نیاز اساسی دانسته که می‌بایست تا بیشترین حد ممکن برآورده شود.<sup>۴۳</sup> چرا که بی‌اطلاعی از مکان و سرنوشت این افراد، خانواده آنان را با رنج بالاترین تا سال‌ها پس از فروکش کردن درگیری مواجه می‌کند. این بالاترین رنج باعث می‌شود که آنها بدون وقفه تا زمان دستیابی به پاسخی جستجو را ادامه دهند. به علاوه، دست و پنجه نرم کردن با مشکلات روانی و اجتماعی که غالباً مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرند، آثار دردناک نبود عزیزان آنها را تشدید می‌کند. در نتیجه، نه تنها افراد گمشده باید قربانی تلقی گردند، بلکه در معنایی گسترده‌تر، تمامی اعضای خانواده‌های آنان نیز، باید قربانی شناخته شوند.<sup>۴۴</sup> همچنانکه کمیته حقوق بشر و دیوان اروپایی حقوق بشر عدم ارائه اطلاعات از سوی دولت را شکلی از شکنجه و رفتار ظالمانه قلمداد کرده‌اند.<sup>۴۵</sup>

### ۲-۳-۲. جامعه بین‌المللی و تضمین به رعایت

حقوق بین‌الملل بر اساس همکاری میان دولت‌ها بنا نهاده شده است نه بر اساس نظام تبعیت.

بنابراین، با نبود قدرت مافوق ملی، بسیاری از اختیارات این مقام به خود دولت‌ها واگذار شده است، که از جمله آنها مراقبت در اجرای این قواعد است. قواعد حقوق بشردوستانه نیز از این قاعده کلی مستثنی نیست.

به دستور ماده ۱ مشترک کنوانسیون‌های ژنو، «طرف‌های معظم متعاقد، رعایت کنوانسیون حاضر و تضمین رعایت آن را در هر شرایطی متعهد می‌شوند».<sup>۴۶</sup> در نتیجه، مطابق با این مقرر، دولت‌های متعاقد نه تنها خود باید هر آنچه که امکان دارد انجام دهند تا تضمین شود ارکان و دیگر اشخاص تحت صلاحیتشان قواعد حقوق بشردوستانه را رعایت می‌کنند، بلکه باید رعایت آنها را نیز تضمین نمایند. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در تفسیر خود از «تضمین به رعایت حقوق»، بارها اعلام کرده است که تمامی دولت‌ها فارغ از این که طرف درگیری باشند یا خیر، باید تمامی تدابیر ممکن را به کار بندند تا تضمین شود که همه اشخاص و به ویژه طرف‌های آن مخاصمه به آن قواعد احترام می‌گذارند.

درخواست مکرر اکثریت مطلق دولت‌های عضو شورای امنیت و مجمع عمومی و دولت‌های عضو کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ برای اعمال اصول ماده ۱ مشترک که در آن از دولت‌های ثالث درخواست می‌شود با اقدامات اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی که نقض مقررات آن کنوانسیون‌ها محسوب می‌شد مقابله کنند، بر همین تعهد دولت‌ها به «تضمین رعایت» حقوق بین‌الملل بشردوستانه «در تمامی شرایط» مبتنی است.<sup>۴۷</sup>

اما ماهیت مطلق استانداردهای حقوق بین‌الملل بشردوستانه و مبتنی نبودن آنها بر تعهدات متقابل، حاکی از آن است که این قواعد تعهداتی هستند که در مقابل کل جامعه بین‌المللی وجود دارند و هر دولت عضو جامعه بین‌المللی محق است که رعایت این قواعد را خواستار شود. بنابراین، همه دولت‌ها حق دارند الزام به رعایت حقوق بین‌المللی بشردوستانه را از سوی دولت‌های درگیر در هر نوع مخاصمه‌ای خواستار گردند. همچنانکه شعبه رسیدگی‌کننده دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در احکام خود در قضیه فوروندریچا در سال ۱۹۹۸ و کوپرشکیچ در سال ۲۰۰۰، اظهار داشت که معیارهای حقوق بین‌الملل بشردوستانه، قواعد عام‌الشمول جهانی<sup>۴۸</sup> هستند و بنابراین، کلیه دولت‌ها در رعایت این قوانین از «منافع قانونی» برخوردارند و در نتیجه حق داشتند رعایت آن را خواستار شوند.<sup>۴۹</sup>

روشن است که هر دولت به اطلاعاتی نیازمند است که قانع شود کنوانسیون توسط طرف‌های معاهده رعایت می‌شود.<sup>۵۰</sup> حتی در موقعیت‌هایی که دولت‌ها ادعا می‌کنند که بالاترین

مکانیسم‌های مسئولیت قابل اطمینان و بی‌طرفانه را به کار گرفته‌اند، نمی‌توان انتظار داشت که جامعه بین‌المللی بدون اطلاعات متقاعدکننده، به چنین اطمینانی از طرف دولت مربوطه بسنده کند.<sup>۵۱</sup> در واقع، تضمین رعایت مقررات حقوق بشردوستانه، بدون کنترل حملات، تحقیق در مورد نقض‌های احتمالی و تعیین مسئول احتمالی مرتکبین آن، امکان‌پذیر نیست.

از جمله راه‌کارهایی که به منظور نظارت بر رفتار متخاصمان و خاتمه دادن به تخلفات در نظر گرفته شده است، تحقیق در مورد ادعای نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه است، که خود می‌تواند مقدمه‌ای بر مرحله بعد یعنی تعقیب و محاکمه عاملان نقض این حقوق باشد.<sup>۵۲</sup> این کار از طریق کمیته‌ها یا کمیسیون‌های تحقیق صورت می‌پذیرد. کمیسیون‌های تحقیق با ارائه تصویر درستی از جنگ و مستندسازی موارد نقض و تعیین مسئولیت‌ها، نقش مهمی در مبارزه با بی‌کیفری ایفا می‌کنند. همچنانکه قطعنامه‌های متعدد شورای امنیت و مجمع عمومی بارها بر یافتن حقیقت توسط کمیته‌های حقیقت یا تأسیس کمیسیون‌های تحقیق تأکید دارند.<sup>۵۳</sup>

تحقیق در مورد تخلفات مورد ادعا تنها زمانی می‌تواند اجرا شود که دولت‌ها نیاز به درجه‌ای از شفافیت را بپذیرند، که بر اساس آن بتوان تعهدات تضمین مسئولیت را ایفا کرد.<sup>۵۴</sup> اما سیاه به واسطه ماهیت محرمانه خود هیچ‌گونه اطلاعاتی در مورد مکان عملیات، چگونگی هدف‌گیری، مسئول و میزان تلفات غیرنظامیان ارائه نمی‌کند. اطلاعات اندکی نیز که از عملیات آنها در دسترس است بر اساس افشاگری‌هایی بوده است که از رسانه‌ها منتشر شده است. از سوی دیگر، آژانس‌های اطلاعاتی به دلیل ترس از درز اطلاعات به بیرون و شکست عملیات، نمی‌توانند عملیات خود را به شکل سلسله مراتب فرماندهی اجرا کنند. به همین دلیل، به افراد خارج از چهارچوب فرماندهی، صلاحدید و استقلال نسبی داده می‌شود، به گونه‌ای که هیچ‌گونه رد و نشانی از خود باقی نگذارند. بنابراین، چنین آژانس‌هایی کمتر در دسترس بوده و کمتر شهادی از آنها بر جای می‌ماند.<sup>۵۵</sup> این در حالی است که کارکنان سیاه برخلاف نیروهای نظامی تعلیم‌دیده، آموزش‌های لازم به منظور اجرای قواعد حاکم بر جنگ در هدایت عملیات هواپیماها را ندیده‌اند.<sup>۵۶</sup> در نتیجه، احتمال عدم اجرای حقوق بشردوستانه را در جایی که قابل اعمال است، افزایش می‌دهد.

## فرجام

پیشرفت و توسعه تکنولوژی در عرصه‌های مختلف، ابعاد حقوقی گوناگونی را در پی دارد. با

وجود ممنوعیت توسل به زور (بند ۴ ماده ۲ منشور)، همچنان شاهد جنگ و درگیری‌های بسیار با استدلال‌های مختلف چون دفاع مشروع در این جهان پرتلاطم هستیم. کشورها به منظور آمادگی و رویارویی در عرصه مخاصمات احتمالی، بیش از پیش، با اختصاص بودجه‌های کلان در راستای تولید تجهیزات نظامی می‌کوشند. یکی از این تجهیزات هواپیماهای بدون سرنشین است که دارای استفاده‌های مختلفی است. هواپیماهای تهاجمی بدون سرنشین از ابزارهایی است که پس از وقایع یازده سپتامبر ۲۰۰۱ و در پی حمله ایالات متحده به افغانستان به منظور مبارزه با القاعده، مسائل متعددی را در مورد مشروعیت به کارگیری آن‌ها از منظر حقوق بشردوستانه، دامن زده است.

با توجه به پیشرفت سریع تکنولوژی در دنیای امروز، انعقاد معاهدات و تدوین قواعد جدید به منظور پوشش ابعاد حقوقی ابزارهای نوین (به ویژه به کارگیری این ابزارها در عرصه مخاصمات مسلحانه) کاری بس دشوار و متضمن صرف وقت و هزینه بسیار است. از این رو، توجه به ابعاد حقوقی این ابزارآلات در پرتو اصول حقوق بشردوستانه می‌تواند در حل این مشکل راهگشا باشد. استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین، نه بر اساس معاهده و نه بر اساس عرف، ممنوع نگردیده است. از این رو، مشروعیت استفاده از این ابزارآلات را با استناد به *قاعده لوتوس* نیز می‌توان احراز کرد. بر اساس این قاعده، هر آنچه که در حقوق بین‌الملل منع نشده باشد، مشروع است. آنچه که حائز اهمیت است چگونگی به کارگیری این هواپیماها به هنگام مخاصمات مسلحانه است؛ در صورتی که استفاده از آن‌ها با رعایت اصول پذیرفته شده حقوق بشردوستانه (اصل تفکیک، احتیاط و تناسب) باشد، منعی برای به کارگیری آن‌ها وجود ندارد.

اما به کارگیری چنین سلاح‌هایی توسط سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا که ماهیت محرمانه دارد، چالش برانگیز است. خودداری از افشای اطلاعات در ارتباط با افرادی که قربانی استفاده از چنین هواپیماهایی شده‌اند، با استناد به ماهیت محرمانه سازمان سیا، موجبات نقض قواعد حقوق بشردوستانه را فراهم می‌سازد. چرا که کشورها، تحت پوشش چنین سازمان‌هایی، ممکن است از اجرای تعهدات خود پرهیز کنند. نظر به تعهداتی که هر دولت در هنگام مخاصمات مسلحانه در برابر جامعه جهانی (تضمین به رعایت) و افراد قربانی و خانواده‌های آنان بر اساس حقوق بشردوستانه و حقوق بشر دارد، نمی‌توان سازمان سیا را به دلیل محرمانه بودن فعالیت‌هایش، از افشای اطلاعات لازم در برابر جامعه جهانی، افراد قربانی و خانواده‌های این افراد معاف دانست. ❖



## پی‌نوشت‌ها

1. Meredith Hagger and Tim McCormack, "Regulating the Use of Unmanned Combat Vehicles: Are General Principles of International Humanitarian Law Sufficient?" **Journal of Law, Information and Science**, 2011, vol. 21, p. 74.

۲. پهپاد از حروف اول «پرنده هدایت پذیر از راه دور» گرفته شده است.

3. Mary Ellen O'connell, "The Resort to Drones under International Law", **Denver Journal of International Law and Policy**, 2011, vol. 39, p. 585.

4. Unmanned Aerial Vehicles

5. Unmanned Combat aerial Vehicles

6. Robert P. Barnidge, Jr, "A Qualified Defense of American Drone Attacks in Northwest Pakistan under International Humanitarian Law", **Boston University International Law Journal**, 2012, vol. 30, p.414.

7. **Ibid.**

8. Philip Alston, "The CIA and Targeted Killings Beyond Borders", 2011, p. 32, available at:

<http://ssrn.com/abstract=1928963> ,

9. International Human Rights Law (IHRL)

10. International Humanitarian Law (IHL (

11. Robert P. Barnidge, Jr, **op.cit**, p. 435.

12. Michael w. Lewis, "Drones and the Boundaries of the Battlefield", **Texas International Law Journal**, 2012, vol. 47, p. 300

13. Carla Crandall, "Ready... Fire... Aim! a Case for Applying American Due Process Principles Before Engaging in Drone Strikes", **Florida Journal of International Law**, 2012, vol. 24, p. 69.

14. Afsheen John Radsan and Richard Murphy, "Measure Twice, Shoot Once: Higher Care for Cia-Targeted Killing", **University of Illinois Law Review**, 2011, no.4, p.1208.

15. Molly McNab and Megan Matthews, "Clarifying The Law Relating To Unmanned Drones And The Use Of Force: The Relationships Between Human Rights, Self-Defense, Armed Conflict, And International humanitarian Law", **Denver Journal of International Law and Policy**, 2011, vol. 39, p. 669.

16. **Ibid**, p. 72.

17. Harold Hongju Koh, Legal Advisor, "The Obama Administration and International Law", a Meeting By The American Society of International Law, Mar. 25, 2010, available at: <http://www.state.gov/s/1/releases/remarks/139119.htm>

18. Afsheen John Radsan Richard Murphy, **op.cit**, p.1202.

19. **Ibid**.

20. ICJ, Advisory Opinion of 1996, "**Case Concerning Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons (Nuclear Weapons Advisory Opinion)**", Para 52.

21. **Ibid**, para 78.

22. Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and Relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts (Protocol I) , 8 June 1977, article 48.

۲۳. ژان ماری هنکرتز و لوئیس دوسوالدبک، حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی، ج اول، ترجمه دفتر امور بین‌الملل قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، تهران: میجد، چاپ اول، ۱۳۸۷. ص. ۶۲.

24. Rome Statute of the International Criminal Court, arts. 8 (2) (b) (i-ii) & (iv-vi) , 8 (2) (e) (i-ii & iv) , 17 July 1998, U.N. Doc A/CONF.183/9

25. Molly McNab and Megan Matthews, **op.cit**, p. 691.

26. Protocol I, art 51 (5) , 57 (2) (b).

27. Michael w. Lewis, **op.cit**, p. 297.

۲۸. مهدی میرمحمودی، و عبدالمحمود محمدی‌لر، سیاست و اطلاعات (مطالعه موردی ایالات متحده امریکا)، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار، ج. اول، ۱۳۸۷.

ص. ۲۵.

۲۹. همان.

۳۰. دیتر فلک، حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه، ترجمه سید قاسم زمانی و نادر ساعد، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ج. دوم، ۱۳۹۲، ص. ۱۰۲.

31. Laurie r. Blank, "After "top gun": How Drone Strikes Impact the Law of war", **The University of Pennsylvania Journal of International Law**, 2012, Vol. 34, P. 705.

32. Robert P. Barnidge, Jr, op. cit, p. 446.

33. Report of the United Nations Fact-Finding Mission on the Gaza Conflict, "Human Rights in Palestine and Other Occupied Arab Territories", at 123, U.N. Doc. A/HRC/12/48 (Sept. 25, 2009).

34. Brendan Gogarty and Meredith Hagger., "The Laws of Man over Vehicles Unmanned: The Legal Response to Robotic Revolution on Sea, Land and Air", **Journal of Law, Information and Science**, 2008, vol. 19, P. 101.

35. Laurie r. Blank, **op.cit**, p. 688.

36. Afsheen John Radsan Richard Murphy, **op.cit**, p. 1218.

37. Philip Alston, "Report on Extrajudicial, Summary or Arbitrary Executions", U.N. Doc. A/HRC/14/24/Add.6, 28 May, 2010, para 87.

38. Major John C. Harwood, "knock, knock; who's there? Announcing targeted killing Procedures and the law of armed Conflict", **Syracuse Journal of International Law and Commerce**, 2012, vol. 40, P. 18

39. **Ibid.**, pp. 6-7.

40. Robert P. Barnidge, Jr, op. cit., p. 444.

41. **Ibid.**, p. 443.

۴۲. ژان ماری هنکرتز و لوئیس دوسوالدبک، پیشین، قاعده ۱۱۷.

43. General Assembly., Resolutions adopted on the reports of third committee, "Assistance and co-operation in accounting for persons who are missing or dead in armed conflicts", A/RES/3220 (XXIX) , 6 November 1974.

۴۴. مونیکا کرتول و آن ماری لارزاف، "مفقودین و عدالت انتقالی: حق آگاهی و مبارزه با بی-

کیفری"، ترجمه مزگان عطار، گزیده مقالات بین‌المللی صلیب سرخ، سال ۲۰۰۶، شماره ۸۶۲، ص. ۷۰.

45. H. R. Committee, communication of 21 July 1983, Case of Quinteros v. Uruguay, no.107/198, para. 14. See also: ECtHR. Judgment of 25 May 1998, Case of Kurt v. Turkey, application No. 24276/94, paras. 133-34.

۴۶. کنوانسیون‌های ژنو، ماده ۱ مشترک.

۴۷. نک.: بند ۵ قطعنامه ۶۸۱ مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۹۰ شورای امنیت ملل متحد قطعنامه‌ها ۱۰/۲ ES – مورخ ۲۵ آوریل ۱۹۹۷. ۱۰/۳ ES – ۱۵ ژوئن ۱۹۹۷. ۱۰/۶ ES – ۹ فوریه ۱۹۹۹

Erga Omnes. ۴۸

۴۹. ژان ماری هنکرتز و لوئیس دوسوالدبک، پیشین، ص. ۷۲۳.

50. Sandra Coliver., "Commentary to: The Johannesburg Principles on National Security, Freedom of Expression and Access to Information", in: Sandra Coliver, et al., Secrecy and Liberty: National Security, Freedom of Expression and Access to Information, Martinus Nijhoff Publishers, The Hague, 1999, pp. 54-55.

51. Philip Alston., *op.cit.*, p. 26

۵۲. ممتاز، جمشید و رنجریان، امیرحسین، حقوق بین‌الملل بشردوستانه مخاصمات داخلی، تهران: میزان، چاپ سوم، ۱۳۸۷، ص ۱۸۲.

53. Naqvi, Yasmin, "The Right to the Truth in International Law: Fact or Fiction?" *International Review of the Red Cross*, 2006, vol. 88, p 258-259.

54. Philip Alston, *op.cit.*, p. 23.

55. *Ibid*, p. 25.

56. Ryan J. Vogel., "Drone Warfare and the Law of Armed Conflict", *Denver Journal of International Law and Policy*, 2010-2011, vol. 39, p. 136.